

هویت کالبدی فضاهای داخلی خانه‌های سنتی و به‌کارگیری آن در خانه‌های تبریز

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۰۹/۱۶

شفیقه علی اصل ممقانی (دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران)
حمیدرضا صارمی* (استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران)
محمد رضا بمانیان (استاد گروه معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

چکیده

خانه نمونه‌ای از معماری سنتی ایران است که بیشترین تأثیر را از الگوهای زیستی مردم گرفته و در کنار عوامل دیگر به طور مستقیم برخاسته از نیازها، اعتقادات و تفکرات آنها بوده است. انسان ایرانی در جریان تغییرات سریع مدرنیته بسیاری از داشته‌های خود را از دست داده است. از مهمترین آنها هویت کالبدی فضاهای داخلی است که با حذف الگوهای داخلی بسیار کم‌رنگ شده است. پژوهش به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از الگوهای مؤثر در طراحی مسکن سنتی مناطق سردسیر نظیر تبریز به الگویی مناسب در جهت طراحی مسکن معاصر شهر تبریز دست یابد. در مسکن سنتی تبریز ساخت خانه‌ها از روی الگوهای شناخته شده منطقه باعث ایجاد هویت کالبدی در بناهای آن زمان می‌شدند؛ لذا می‌توان با بروز کردن این الگوها از آنها در بناهای معاصر استفاده کرد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از جهت ماهیت و روش تحلیلی - توصیفی است. جهت انجام ابتدا مطالعات اکتشافی به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و سپس به صورت پیمایشی ادامه یافته است که از طریق تکمیل پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از خبرگان معماری انجام شده است. چهار خانه از دوره قاجار و چهار مورد از آپارتمان‌های تبریز انتخاب شده‌اند. در گام بعدی با روش دلفی به غربالگری مؤلفه‌های جمع‌آوری شده، پرداخته شد تا مؤثرترین مؤلفه‌ها شناسایی گردد. در ادامه برای تعیین ارزش هر یک از مؤلفه‌ها از روش AHP استفاده شد. در خانه‌های سنتی تبریز به ترتیب مؤلفه‌های مردمی، اقلیمی، کالبدی، معنایی و فعالیتی در ایجاد هویت کالبدی مؤثرند در حالی که در خانه‌های معاصر تبریز به ترتیب مؤلفه‌های کالبدی، مردمی، فعالیتی، معنایی و اقلیمی در ایجاد هویت کالبدی مؤثرند. نتایج وزن‌دهی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که در خانه‌های معاصر به دلیل تأکید زیاد در کالبد مؤلفه‌های معنایی فراموش شده‌اند و نیاز به تقویت بیشتر دارند.

واژه‌های کلیدی: هویت کالبدی، فضای داخلی، خانه سنتی، خانه‌های تبریز

مقدمه

محیط زندگی انسان تأثیر بسزایی در رفتار و هویت انسان به سمت ارزشهای مستتر در خویش دارد (نوکار، ۱۳۹۸). مسکن بنیان سرزندگی فرهنگی و اقتصادی است (آروین، ۱۳۹۸). انسان بر اساس نیاز و ذهنیت، محیط اطراف خود را می‌سازد و خالق محیط زندگی خود می‌شود. همزمان محیط‌های انسانی ساخته‌شده، زندگی انسان را شکل می‌دهند. دلبستگی به خانه، پیوندی احساسی و نوعی وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و خانه شکل می‌گیرد. در اثر این پیوند، خانه به لنگرگاهی روانی بدل شده و احساسی از امنیت، اعتماد و رضایت را با خود به دنبال دارد (Tasi, 2012). کیفیت زندگی در سکونتگاه صرفاً داشتن یک سقف بالای سر فرد و مقدار کافی فضای زندگی نیست؛ بلکه باید رضایت روانی و اجتماعی افراد را به دنبال داشته باشد (اکبریان فر، ۱۳۹۵). در خانه‌های معاصر پیوند بین فرد و خانه به حداقل رسیده است. عبور از سنت و ورود به عصر مدرن، انسان ایرانی را وارد فضاهایی کرده است که از روی الگو، ساخته نشده‌اند و هر چقدر دارای خصلت‌های نو و متفاوت از دیگر خانه‌ها باشند، خریدار زیاد دارند در نتیجه در فضاهای داخلی خانه‌های معاصر ما شاهد بی‌الگوی و هرج و مرج عجیبی هستیم که هویت کالبدی از آنها گرفته شده است. در حالی که در خانه سنتی تبریز، ساخت خانه‌ها از روی الگوهای شناخته شده منطقه، باعث می‌شد بناهای آنها دارای هویت کالبدی باشند. به نظر هایدگر زمانی سکونت در یکی از سطوح مختلف محیط اتفاق می‌افتد که حس مکان نسبت به آن در ما به وجود بیاید. به بیان دیگر زمانی حس مکان نسبت به یک محیط در انسان پدیدار می‌گردد که آن محیط نیاز ما را به سکونت برآورده سازد. تعلق خاطر و حس مثبت داشتن به مکان و انباشت تجربه‌ها و خاطرات مبتنی بر مکان نشانه‌ای از هویت مکان است. مسکن یکی از قدیمی‌ترین کاربردهای معماری است و نشان‌دهنده هویت و فرهنگ است. مسکن فقط محیطی سرپوشیده برای حفاظت ساکنان از عوامل خطرزای محیطی نیست بلکه، فضایی است که در آن زندگی حاکم است و باید سرشار از زندگی باشد.

هدف از تحقیق این است مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد هویت کالبدی در خانه‌های سنتی تبریز شناسایی گردند و میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در خانه‌های معاصر بررسی شوند. پژوهش به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از الگوهای مؤثر در طراحی مسکن سنتی مناطق سردسیر نظیر تبریز به الگویی مناسب در جهت طراحی مسکن معاصر شهر تبریز دست یابد. تاکنون (۱۳۹۸) تحقیقات زیادی درمورد خانه‌های سنتی تبریز صورت گرفته

است، در این تحقیق ما در نظر داریم ضمن مقایسه موردی خانه‌های سنتی و معاصر تبریز از نظر دارا بودن هویت کالبدی به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد هویت کالبدی در هر دو گروه خانه‌ها بپردازیم. و بعد با وزن دهی مؤلفه‌های مورد نظر در هر دو گروه به روش AHP میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌ها در ایجاد هویت کالبدی بررسی شود و در نهایت به این پرسش پاسخ دهیم که آیا خانه‌های سنتی تبریز قابلیت آن را دارند که با رجوع به آنها برای ایجاد هویت کالبدی در خانه‌های معاصر مورد استفاده قرار گیرند. تاکنون (۱۳۹۸) این نوع بررسی در خانه‌های سنتی و معاصر تبریز انجام نشده است.

تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره هویت و معماری صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌شود. در مقاله‌ای تحت عنوان "عناصر هویت‌ساز در معماری خانه‌های سنتی"، میراث فرهنگی به عنوان یکی از عناصر هویت ساز معرفی می‌شود که در خانه‌های سنتی به خوبی مشهود است (بمانیان، غلامی و رنجبر پناهی، ۱۳۸۵). در کتاب "درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی" نیز، تأثیر هویت در معماری و شهرسازی اسلامی بررسی شده است (رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸). در مقاله‌ای با عنوان "معماری امروز ایران و مسئله هویت: مفهوم هویت و معماری امروز ایران"، به بحث هویت در معماری اشاره شده و در نهایت علل و مشکلات موجود در بحث هویت در معماری را مطرح نموده و نتیجه‌گیری کرده است (قطبی، ۱۳۸۸). هویت اسلامی به عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری فضاهای معماری در کتاب "معماری و شهرسازی در کشورهای اسلامی" معرفی شده است (بمانیان، اخوت و الماسی فر، ۱۳۹۰). در مقاله‌ای با عنوان "مفهوم سکونت"، به شناخت کتاب مفهوم سکونت از کریستین نورنبرگ شولتز پرداخته شده است (پورجعفر، ۱۳۹۰). در کتاب "تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم" نحوه شکل‌گیری خانه‌های تبریز بر اساس فرهنگ منطقه بررسی شده است (اسمعیلی، سنگری و عمرانی، ۱۳۹۱). از میان مجموعه رساله‌های کار شده، بازشناسی هویت دینی در مسکن سنتی به مطالعه تأثیرات فرهنگ دینی در مسکن سنتی پرداخته است و رساله‌های دیگر که هویت کالبدی را از منظر شهرسازی بررسی کرده‌اند. در مقاله‌ای تحت عنوان "ایجاد چارچوب نظری طراحی مبتنی بر تئوری هویت اجتماعی مجتمع مسکونی"، برای ساکنان با طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی، اصول مهم مسکن، درآمد ترکیبی بر هویت اجتماعی، از طریق مکان بررسی شده است (ضرغام، مهدی نژاد و فتوره‌چی، ۱۳۹۴). در کتاب «زندگی انسان ایرانی در فضاهای معماری معاصر»، به بررسی مشکلات انسان ایرانی در فضاهای معماری معاصر پرداخته شده است (صارمی و علی اصل، ۱۳۹۵).

در مقاله با عنوان «بررسی مشارکت استفاده‌کنندگان (مردم) در روند طراحی مسکن با رویکرد معماری جمعی»، به بررسی نقش مشارکت مردم در طراحی مسکن پرداخته شده است (فرشچی و باغبادرانی، ۱۳۹۶). در مقاله با عنوان «معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز»، در ابتدا به شناخت مفهوم مسکن و سکونت پرداخته شده است و سپس مفهوم سکونت در تفکر سنتی و اسلامی بررسی شده است (محمودی مهماندوست، ۱۳۹۶). اما از بین تمامی منابع، در هیچ کدام مؤلفه‌های تأثیرگذار در هویت کالبدی به ترتیب قوت آنها در خانه‌های سنتی و مدرن تبریز بررسی نشده است.

مبانی نظری پژوهش

به اعتقاد هایدگر، سکونت کردن خصیصه اصلی وجود است و به معنای در صلح و صفا بودن، آزار ندیدن و آزار نرساندن استمارتین هایدگر که سکونت کردن را حاصل اندیشیدن و ساختن میدانست، اشکال امروزی آن را بی ریشه تلقی می‌کرد (Heidegger, 1962). نوربرگ-شولتس سکونت را "برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیطی مفروض" می‌داند که البته این پیوند ناشی از تلاش برای هویتیابی و احساس تعلق به یک مکان است (Norberg-Schulz, 2005).

همچنین به اعتقاد کریستوفر الکساندر، ماهیت مکان، حاصل اتفاقاتی است که در آن روی می‌دهد. هایدگر معتقد است که "مرکز هستی در خانه تبلور می‌یابد و امتداد این هستی تا لایتناهی کشیده می‌شود". در دومین اجلاس اسکان بشر در سال (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیر ساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزشی، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود.» (دلال پور، ۱۳۷۹). هیوارد اولین کسی است که فهرستی جامع از معانی منتسب به خانه را اعم از ساختار کالبدی، قلمرو، مکان مشخص در جهان، خود و هویت را عرصه کرد. خانه فراتر از کالبد مسکن، معانی مختلفی را در خود جای می‌دهد و به نوعی ترکیبی و انتزاعی از زمان و مکان است. همچنین می‌توان تمایزی بین مفهوم مسکن و خانه قائل شد و اولی را ساختار کالبدی و معانی و مفاهیم وابسته به آن

در نظر گرفت (آقالطیفی و کولایی، ۱۳۹۷). افراد ساکن در آپارتمانهای امروزی، علی‌رغم این که با استفاده از تکنولوژی، پاسخگوی خیلی از نیازهای مادی ساکنین‌شان هستند، اما در راستای پاسخگویی به نیازهای معنوی افراد عاجزند (یاران و بهرو، ۱۳۹۵، تاسی، ۱۳۹۱).

هویت مکانی، مفهومی است که در ادبیات روان‌شناسی محیطی با دل‌بستگی به مکان گره خورده است (stedman، 2001). مسئله هویت و پرسش از آن در اثر انسداد و بحران به‌وجود می‌آید. پس از ورود مدرنیته به ایران تقابل دو معیار سنجش سنتی و مدرن بر روی معماری تأثیر گذاشت و جواب‌های متفاوت این دیدگاه در مورد چیستی و کیستی معماری بحران هویتی را در ایران و سرزمین‌های مشابه آن ایجاد کرد. از دوره صفویه در پی توسعه صنعتی و اجتماعی اروپا رابطه‌ای یک‌سویه بین ایران و اروپا پدید آمد و اقتباس و الگوبرداری از بعضی مظاهر آن توسط ایرانیان آغاز شد که در این دوره بیش‌تر بر هنرهای انتزاعی مانند نقاشی و نگارگری تأثیر گذاشت. در واقع پیش از ورود مدرنیته به ایران، ایرانیان دغدغه این را نداشتند که چه چیز را از کجا بگیرند، برای آن که ذهن و فکری مولد داشتند. اگر چیزی را از کسی می‌گرفتند به سرعت مطابق نیازها و اعتقادات خویش آن را چنان دگرگون می‌کردند و به آن هویت می‌بخشیدند که آن اثر دقیقاً به حوزه تمدن ایران تعلق می‌گرفت که نمونه آن را می‌توان در معماری هخامنشی و ساسانی و حتی بعضی از آثار معماری دوره قاجار مشاهده کرد (قطبی، ۱۳۸۸: ۸۰). «شاخصی برای شان اجتماعی»، «لنگرگاه بودن»، «بستری برای خاطرات شیرین» و بستری برای رفع نیازها و صفاتی از خانه می‌باشند که حضور و تعالی آنان می‌تواند منجر به دل‌بستگی انسان به خانه گردد (حجت و دیگران، ۱۳۹۶).

سنت در معنی لغوی انتقال سینه به سینه وجهی از الگوهای قومی و فرهنگی است و با توجه به مستمر بودن، الگوپذیری را در بطن خود دارد (poup, 1994). معماری سنتی نوآوری را در تکمیل تدریجی به‌دست آورد. معمار سنتی به اندازه توان خودارزشی را بر ارزش‌های معماری می‌افزاید و ادعای خلق‌الساعه ندارد. انسان مدرن نوآوری را در دگرگون کردن پدیده‌ها و جای‌گزین کردن جدید به‌جای موجود به‌کار می‌گیرد. معماری مدرن معماری عصیان و بدعت است و به معنای عام محصول تکثر اصول و قراردادهای عصر جدید است که هر از گاهی تحت تأثیر مؤلفه‌های متغیر و پویای روزگار مدرن شکلی نو و تازه به خود می‌گیرد و ساخت جدیدی را طلب می‌کند. معماری مدرن معماری هویت‌های پویا و گذرای عصر جدید است. این هویت‌ها پویا و گذرا در سایر هنرها و ادبیات

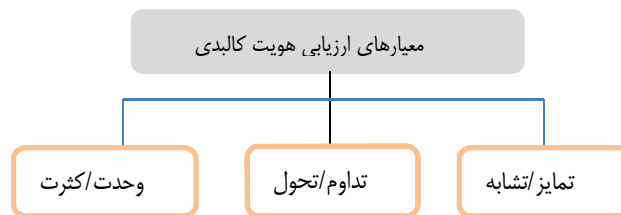
نیز آثاری به جا می‌گذارند، ولی تنها در معماری است که به علت ماندگاری اثر و هم‌نشینی بناها اختلاط هویت‌ها و به تعبیری دیگر بی‌هویتی معماری به چشم می‌آید (قطبی، ۱۳۸۸: ۸۰).

هویت کالبدی عبارت است از: «فضایی که در ابتدا بدون تمایز به نظر می‌رسد وقتی آن را بشناسیم و برای آن ارزشی قائل شویم، به مکان تبدیل می‌شود (Tuan, 1977). فرهنگ و محیط، هویت ساز زندگی انسان می‌باشند، به نحوی که هر کدام نقش اساسی در تشکیل هویت بر عهده دارند. از دیگر سو می‌توان دید که فصل مشترک هویت انسانی محیط و هویت فرهنگی انسان، هویت محیط را تشکیل می‌دهد. هویت کالبدی را می‌توان به صورت زیر نیز تعریف نمود: هویت کالبدی به معنای صفت‌ها و ویژگی‌هایی است که جسم شهر را از غیر آن، متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفت‌ها باید به گونه‌ای باشد که جسم شهر، در این تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود. در تعریف بالا معیارهای ارزیابی هویت کالبدی نیز گنجانده شده است. سه شرط عموماً در راستای هویت کالبدی مطرح می‌گردد که به شرح زیر تعیین می‌گردد: اول: تمایز آن از غیر و تشابه آن با خودی، دوم: حفظ تداوم در عین تحول و سوم: حفظ وحدت در عین کثرت. از میان این سه معیار فوق تمایز از غیر و تشابه با خودی از همه مهم‌تر بوده و اصل زیربنایی محسوب می‌شود. دو معیار بعدی اجزاء و زیرمجموعه آن محسوب شده تابع هستند. به منظور تدقیق این معیار لازم است حوزه‌های «غیر» و «خودی» تعریف شده و حدود تداخل یا تفکیک آن‌ها مشخص شود. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاح‌های «شخصیت» و «حس مکان» نیز مترادف است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳). اما لویتکا در تعریفی هویت مکانی را آن قسمت از هویت شخصی می‌داند که در ارتباط با محیط فیزیکی است (Levitka, 2008). بنابراین با توجه به این تعریف، معیارهای ارزیابی هویت کالبدی به قرار زیر است:

- تمایز / تشابه: به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی. مفاهیمی چون خوانایی، معنی، حس مکان و شخصیت مستقیماً به مفهوم تمایز و تفاوت مکانی مربوط شده و بر حفظ آن تأکید دارد. انسان گرایش دارد اشیایی را درک کند که مخالف با زمینه موجود است مثلاً در محل‌های متروک و مهجور وجود برجی زیبا بیشتر به دل می‌نشیند (حبیب، نادری و فروزان‌گهر، ۱۳۸۶). چینگ در ۱۹۷۹ در مورد رویکردهای متفاوتی برای دستیابی به وحدت در ترکیب در تعریف سلسله مراتب بحث می‌کند. او دریافت که چگونه تفاوت‌ها همچون اندازه استثنایی، شکل منحصر به فرد و موقعیت استراتژیک می‌تواند ترکیبات

هماهنگ خلق کند. دسته‌بندی او به سه گروه تقسیم می‌شد: سلسله مراتب در اندازه، سلسله مراتب در شکل، سلسله مراتب در مکان و جایگاه. وی معتقد است محرکه‌هایی که مشابهت‌های کالبدی دارند احتمالاً بیشتر با هم مرتبط و درک می‌شوند مثلاً در شهرها مساجد دارای نما و کالبد خاص خود هستند و می‌توان آنها را از سایر بناها تشخیص داد (همان).

- تداوم/ تحول: به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزشهای خودی) در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن).
 - وحدت/ کثرت: به معنای پیوند میان اجزاء متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد، به گونه‌ای که در کنار هم یک کل را به وجود بیاورند (میرمقتدایی، ۱۳۸۲) (نمودار ۱).



نمودار شماره (۱). معیارهای ارزیابی هویت کالبدی (منبع: نگارندگان)

روش پژوهش

تبریز شهری است سردسیر با اقلیم سرد و کوهستانی که مخصوصاً در زمان قدیم دارای زمستان‌های بسیار سرد و طولانی بوده است، به همین دلیل مردم این شهر در خانه‌های خود تدابیر لازم برای فصل سرد را اندیشیده‌اند و خانه‌هایشان را در جهت مقابله با سرما درست کرده‌اند. مطلبی که بایستی در مورد قدمت خانه‌های تبریز قدیم بدانیم این است که با توجه به وقوع آخرین زلزله مهیب در آخرین روز سال ۱۱۹۳ هجری قمری، دوره تاریخی آنها را به اواخر زندیه و اوایل قاجار می‌رساند. در بخش خانه‌های سنتی، چهار از خانه‌های دوره قاجار در شهر تبریز انتخاب شده‌اند که عبارتند از: ۱. خانه سلماسی ۲. خانه حیدر زاده ۳. خانه مشروطه ۴. خانه علی مسیو. در بخش خانه‌های معاصر، نتایج حاصل از بررسی مبانی نشان می‌دهد که مردم تبریز زمین خود را به خانه تک واحدی تبدیل نمی‌کنند بلکه ترجیح می‌دهند که به خاطر مسایل اقتصادی و امنیتی زمین خود تبدیل به آپارتمانهای طبقاتی کنند. در این تحقیق، چهار آپارتمان از منطقه یک شهر تبریز انتخاب شده‌اند تا به عنوان خانه‌های معاصر مورد بررسی قرار گیرند (جدول ۱).

جدول شماره (۱): مشخصات بناهای مورد مطالعه

نام بنا	ویژگیها	تصویر	پلان
خانه‌های معاصر			
بنای ۱	دارای ۷-۸ سال قدمت می‌باشد و مساحت آن ۱۴۵ و طبقه ۴ مورد مطالعه است.		
بنای ۲	دارای ۱۰ سال قدمت است، مساحت آن ۱۵۵ و طبقه ۴ مورد مطالعه است.		
بنای ۳	ساختمان مربوط به ۶ الی ۷ سال اخیر می‌باشد مساحت آن حدود ۱۳۰ می‌باشد و طبقه ۴ مورد مطالعه است.		
بنای ۴	مساحت بنا ۱۵۰ مترمربع می‌باشد و دارای ۷ سال قدمت و طبقه ۴ مورد مطالعه است.		
خانه‌های سنتی			
بنای ۵	از خانه‌های اوایل قاجار است و دارای ۸۳۰ متر عرصه می‌باشد.		
بنای ۶	از خانه‌های قاجاری هست و دارای ۵۰۰ متر عرصه می‌باشد.		
بنای ۷	در دو دوره اوایل و اواخر قاجار ساخته شده و دارای ۷۸۹ متر عرصه می‌باشد.		
بنای ۸	در زمان قاجار ساخته شده و دارای ۹۳۲ متر عرصه می‌باشد.		

(منبع: نگارندگان)

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از جهت ماهیت و روش تحلیلی- توصیفی است. این پژوهش به منظور تعیین تأثیر مؤلفه‌های هویت کالبدی خانه‌های سنتی تبریز، برای بکارگیری آن در خانه‌های معاصر است. جهت انجام ابتدا مطالعات اکتشافی به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و سپس به صورت پیمایشی ادامه یافته است که از طریق تکمیل پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از خبرگان و اساتید معماری که به صورت تصادفی

انتخاب شده‌اند، انجام شده است. هشت خانه و آپارتمان مورد مطالعه قرار گرفته شده است: چهار خانه از دوره قاجار تبریز به عنوان خانه‌های سنتی و چهار مورد از آپارتمانهای ده سال اخیر منطقه یک تبریز به عنوان خانه‌های معاصر انتخاب شده‌اند. ابتدا مؤلفه‌های لازم برای هویت کالبدی از مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردید و در گام بعدی با روش دلفی به غربالگری مؤلفه‌های جمع‌آوری شده پرداخته شد تا مؤثرترین مؤلفه‌ها شناسایی گردد. در ادامه برای تعیین ارزش هر یک از مؤلفه‌ها از روش تحلیل سلسه مراتبی (AHP) استفاده شد.

سؤال مطرح شده در پرسشنامه برای اساتید اینچنین بود: آیا به نظر شما پنج مؤلفه (کالبدی، اقلیمی، فعالیتی- عملکردی، معنایی- ادراکی) می‌تواند برای تقویت هویت کالبدی در بناهای مسکونی معاصر تبریز به کار رود و در سؤال دوم نظرات دیگر آنها خواسته شده بود. اکثر اساتید معتقد بودند که پنج مؤلفه می‌توانند باعث تقویت هویت کالبدی شوند. برای بدست آوردن مؤلفه‌های پرسشنامه بدین صورت عمل شد که ابتدا در بخش اول، برای مقایسه معیارهای کالبدی هویت، سه معیار اصلی تمایز/ تشابه، تداوم/ تحول و وحدت/ کثرت بررسی شد. در بخش دوم، چهار مؤلفه تأثیر گذار در تقویت هویت کالبدی خانه‌ها و زیرمؤلفه‌های آنها بدست آمد که عبارتند از: مؤلفه‌های کالبدی، مؤلفه‌های اقلیمی، مؤلفه‌های فعالیتی- عملکردی و مؤلفه‌های معنایی- ادراکی.



نمودار شماره (۲). مؤلفه‌های لازم برای هویت کالبدی و ریز مؤلفه‌های آنها (منبع: نگارنده‌گان)

حال پس از مقایسه موارد مطرح شده به جهت انجام نتیجه‌گیری نهایی در این بخش، و مقایسه نهایی خانه مسکونی سنتی و معاصر تبریز با سه معیار اصلی هویت کالبدی یعنی تمایز/تشابه، تداوم/تحول، وحدت/کثرت که در ابتدای بخش تحلیل به آن اشاره شد، بررسی و نتایج در جدول زیر آورده شده است (جدول ۲).

جدول شماره (۲): معیارهای ارزیابی هویت کالبدی

معیار ارزیابی هویت کالبدی			دوره بنا
وحدت/ کثرت	تداوم/ تحول	تمایز/ تشابه	
<p>وحدت:</p> <ul style="list-style-type: none"> *در طراحی پلان و نما ارتباط پیوسته پلان و نما *وحدت در تناسب، ارتباط و کارکرد و سرکولاسیون فضاها *وحدت در مصالح و استفاده از آن و تزیینات مورد استفاده *وحدت در کل به جز و جز به کل بنا *وحدت در ارتباط با محیط پیرامون از بیرون به درون و درون به بیرون 	<p>تداوم:</p> <ul style="list-style-type: none"> *تداوم الگوی پلان سنتی *تداوم بکارگیری مصالح سنتی *تداوم نوع و تعداد فضاها بر حسب معماری سنتی *تداوم ابعاد و مساحت فضا *تداوم ابعاد و نوع بازشوها بر حسب معماری سنتی *تداوم فرم اجرای تزیینات سنتی نظیر منبت کاری و آجرکاری و ارسی و گچبری *تداوم تبعیت از اقلیم <p>تحول:</p> <ul style="list-style-type: none"> *تحول الگوی تزیینات در بعضی از خانه‌ها و اضافه نمودن نقاشی *اضافه نمودن برخی فضاهای جدید نظیر حمام در برخی از خانه‌ها 	<p>الگوی تشابه به خودی:</p> <ul style="list-style-type: none"> *استفاده الگوهای معماری سنتی ایران نظیر: *الگوی حیاط مرکزی *پلان و سرکولاسیون معماری سنتی *مصالح بومی و سنتی *طراحی نمای ساختمان و بازشوها و مصالح و تزیینات بر مبنای الگوهای معماری بومی تبریز *سلسله مراتب واضح در پلان *پلان فشرده و متراکم *حداکثر نورگیری و محافظت بنا در برابر باد *تزیینات سنتی رایج در معماری ایران *استفاده از سیستم سازه‌ای رایج در معماری سنتی (دیوار باربر) *طراحی با توجه به نیاز ساکنین خانه *عدم استفاده از فضاهای اضافه یا تزیینات غیرضروری *تبعیت کمتر از الگوهای هم دوره خود در منطقه 	<p>خانه‌های سنتی تبریز (دوره قاجار)</p>
<p>وحدت:</p> <ul style="list-style-type: none"> *وحدت در تعداد و نوع فضاها *وحدت نسبی در مصالح *وحدت در مساحت و تعداد بازشوها *وحدت در بکارگیری الگوهای اقلیمی نظیر نورگیری و کنترل باد و ایجاد تهویه 	<p>تداوم:</p> <ul style="list-style-type: none"> *تداوم الگوی فرمی پلان به شکل مربع مستطیل *تداوم الگوی فشرده *تداوم طراحی بنای متراکم *تداوم طراحی بر مبنای محرمیت *تداوم ارتباط فضاهای عمومی و خصوصی *تداوم نسبی دعوت کنندگی به بنا *تداوم استفاده از بام تخت *تداوم استفاده از مصالح تیره و آجر و گچ <p>تحول:</p> <ul style="list-style-type: none"> -تحول در بکارگیری فرم پلان سنتی و مصالح سنتی، عدم بکارگیری نوع فضاها، کاربری فضاها، تعداد، ابعاد ارتباط فضاها و نیز تحول در تزیینات 	<p>الگوی تشابه به خودی:</p> <ul style="list-style-type: none"> *نورگیری و محافظت بنا در برابر باد *استفاده از سلسله مراتب در پلان *پلان فشرده و متراکم *مصالح به رنگ تیره *تمایز: -تبعیت از الگوهای غربی به شکل استفاده از نماهای مدرن و کلاسیک غربی - استفاده از مصالح غیر بوم آورد - تزیینات غیر ضرور و نیز پلان و فضاهای به شکل مدرن - عدم ارتباط سرکولاسیون فضاهای پلان نظیر معماری سنتی - فضاهای جدید و متفاوت در پلان 	<p>خانه‌های معاصر تبریز (پس از انقلاب اسلامی ایران)</p>

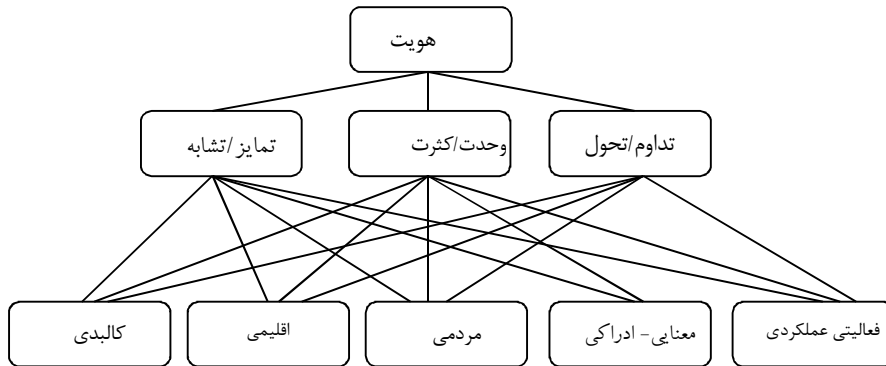
(منبع: نگارنده گان)

جدول شماره (۳): مؤلفه‌های مؤثر در هویت کالبدی مسکن تبریز

مؤلفه کالبدی	مؤلفه اقلیمی	مؤلفه مردمی	مؤلفه فعالیتی - عملکردی	مؤلفه معنایی - ادراکی
مساحت	نوع اقلیم	وضعیت مالی	قابلیت دسترسی	خوانایی
تعداد فضاها	نوع مصالح	شغل	آسایش	قابلیت ادراک مکان
فرم پلان	نوع پلان	میزان تحصیلات	دعوت کننده بودن مکان	حس مکان و تعلق به مکان
نوع پلان	نوع بام	سن	انعطاف پذیری	

مصالح	جهت قرارگیری	جنس	
نوع تزیینات	سطح و تعداد پنجره	تعامل کارفرما با مهندس	
کاربری فضاها	بافت مجموعه	اطلاعات ساختمانی	
	نوع رنگ خارجی		

(منبع: نگارنده گان)



نمودار شماره (۳). مدل ساده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (منبع: نگارنده گان)

پرسشنامه ابتدا توسط اساتید پر شد و اصلاحات خواسته شده انجام گردید و برای بار دوم پرسشنامه‌های اصلاح شده در اختیار اساتید قرار گرفت تا تأیید نهایی گردد. در آخرین مرحله برای مشخص کردن رتبه هر یک از مؤلفه‌ها در تأثیر آنها در هویت کالبدی به وزن‌دهی مؤلفه‌ها با روش AHP پرداخته شد. لازم به ذکر است، نمره‌دهی مؤلفه‌ها طبق جدول طیف مقایسات زوجی (ترجیح یکسان: ۱، کمی بهتر: ۳، بهتر: ۵، خیلی بهتر: ۷ و کلاً بهتر: ۹) انجام شده است. سپس میانگین هندسی با استفاده از فرمول مربوطه بدست آمده و نرمال سازی اعداد نیز با فرمول مربوط به خود بدست می‌آید. یک روش ساده برای نرمال کردن اعداد توسط ساعتی مطرح شده که به محاسبه بردار ویژه، در این روش کافی است هر عدد در یک مجموعه بر مجموع عناصر آن مجموعه تقسیم شود. در این صورت جمع کل عناصر پس از نرمال سازی یک خواهد بود.

یافته‌های پژوهش:

مطابق یافته‌ها، میانگین هندسی و اوزان نرمال شده مؤلفه‌ها بر اساس سه معیار، وحدت/کثرت، تمایز/تشابه و تداوم/تحول به صورت مجزا در خانه‌های سنتی و خانه‌های معاصر بدست آمده است (جدول ۴) (جدول ۵).

جدول شماره (۴): میانگین هندسی و اوزان نرمال شده مؤلفه‌ها بر اساس سه معیار در خانه‌های

سنتی

معیار مؤلفه	وحدت/کثرت سنتی		تمایز/تشابه		تداوم/تحول	
	میانگین هندسی	اوزان نرمال شده	میانگین هندسی	اوزان نرمال شده	میانگین هندسی	اوزان نرمال شده
کالبدی	۰,۹۰	۰,۱۳	۱,۴۴	۰,۲۲	۱,۷۱	۰,۲۴
اقلیمی	۰,۵۶	۰,۰۸۱	۰,۵۹	۰,۰۹	۱,۵۴	۰,۲۲
مردمی	۳,۲۷	۰,۴۷	۲,۸	۰,۴۴	۲,۶۶	۰,۳۸
معنایی	۱	۰,۱۴۵	۱,۱۸	۰,۱۸	۰,۶۳	۰,۰۹
فعالیتی	۱,۱۰	۰,۱۶	۰,۳۳	۰,۰۵	۰,۳۳	۰,۰۴

(منبع: نگارنده‌گان)

جدول شماره (۵): میانگین هندسی و اوزان نرمال شده مؤلفه‌ها بر اساس سه معیار در خانه‌های

معاصر

معیار مؤلفه	وحدت/کثرت		تداوم/تحول		تمایز/تشابه	
	میانگین هندسی	اوزان نرمال شده	میانگین هندسی	اوزان نرمال شده	میانگین هندسی	اوزان نرمال شده
کالبدی	۲,۶۶	۰,۴۲	۲,۶۶	۰,۴۱	۱,۴۴	۰,۲۲
اقلیمی	۰,۳۳	۰,۰۵	۰,۳۳	۰,۰۵	۰,۵۹	۰,۰۹
مردمی	۱,۷۱	۰,۲۷	۱,۷۱	۰,۲۶	۲,۸	۰,۴۴
معنایی	۰,۶۳	۰,۰۹	۰,۶۴	۰,۱	۱,۱۸	۰,۱۸
فعالیتی	۱	۰,۱۵	۱	۰,۱۵	۰,۳۳	۰,۰۵

(منبع: نگارنده‌گان)

جدول شماره (۶): محاسبه امتیاز هر یک از مؤلفه‌ها برای رتبه بندی

فعالیتی	معنای	مردمی	اقلیمی	کالبدی	
۰,۲۴	۰,۸	۲,۰۹	۰,۵۵	۱,۰۹	خانه‌های سنتی
۰,۷۵	۰,۴۹	۱,۵۵	۱,۰۸	۱,۶۲	خانه‌های معاصر

(منبع: نگارنده گان)

جدول شماره (۷): اولویت نسبی مؤلفه‌ها در وزن دهی

خانه سنتی	رتبه	خانه معاصر
مردمی	۱	مردمی
کالبدی	۲	کالبدی
معنایی	۳	فعالیتی
اقلیمی	۴	معنایی
فعالیتی	۵	اقلیمی

(منبع: نگارنده گان)

جدول شماره (۸): نتیجه‌ی وزن دهی مؤلفه‌ها

خانه سنتی	رتبه	خانه معاصر
مؤلفه مردمی	۱	مؤلفه کالبدی
مؤلفه اقلیمی	۲	مؤلفه مردمی
مؤلفه کالبدی	۳	مؤلفه فعالیتی
مؤلفه معنایی	۴	مؤلفه معنایی
مؤلفه فعالیتی	۵	مؤلفه اقلیمی

(منبع: نگارنده گان)

جدول شماره (۹): بردار سازگاری برای مؤلفه‌ها

نسبت سازگاری	شاخص سازگاری	میانگین عناصر بردار سازگاری	بردار سازگاری برای مؤلفه‌ها					
			فعالیتی	معنای	مردمی	اقلیمی	کالبدی	
-۳,۴	-۱,۹۷	۲,۰۱۴	۱,۲	۲,۴	۲,۰۹	۲,۲	۲,۱۸	خانه‌های سنتی
-۰,۴۱	-۰,۲۴	۲,۸۸	۵,۴	۱,۹۶	۱,۵۵	۵,۴	۳,۲۴	خانه‌های معاصر

(منبع: نگارنده گان)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج جداول نشان می‌دهند که از میان سه معیار مقایسه هویت کالبدی در خانه‌های سنتی، تمایز/تشابه بیشترین تأثیر را دارد. در مرحله بعد نتایج کیفی مطالعات را باید کمی کنیم در این مرحله نیز نظر خبرگان کاملاً دخیل است. در خانه‌های سنتی تبریز مؤلفه‌های مردمی در ایجاد هویت کالبدی نقش اول را دارند و علت آن این است که مردم قدیم تبریز خانه‌هایشان را خودشان می‌ساختند و در تمام مراحل ساخت خانه، خودشان نقش مؤثر داشتند و هم اینکه معماری که خانه‌ای می‌ساخت با شناخت دقیق از تمام زوایای زندگی اشخاص، برای آنها خانه می‌ساخت همچنین با توجه به محدود بودن روشهای ساخت و مصالح اکثر مردم روشهای خانه سازی را بلد بودند. درحالی که در خانه‌های معاصر مردم خانه‌ی خود را مانند یک کالای لوکس از بنگاه املاک خریداری می‌کنند و خودشان در ساختن آن کوچکترین نقشی ندارند و دیگر اینکه با توجه به تنوع مصالح و روشهای ساخت، علم مردم عادی از روشهای خانه سازی بسیار اندک است لذا این کار را به مهندسين می‌سپارند و چون مهندسين معمولاً ارتباط کمی با کارفرمایان دارند لذا خانه ساخته‌شده از لحاظ هویت‌دار بودن بسیار ضعیف است در نتیجه عامل مردمی در خانه‌های معاصر بعد از مؤلفه کالبدی قرار گرفته است. در مورد عوامل اقلیمی در خانه‌های سنتی، راپاپورت نیز معتقد است که این عوامل در درجه دوم ایجاد هویت در کالبدی قرار دارند. قوی بودن عوامل اقلیمی نسبت به سه مؤلفه دیگر به این علت است که سازگاری با اقلیم در همه جای خانه‌های سنتی می‌بینیم و این عامل به مؤلفه‌های دیگر نیز نفوذ کرده است در حالی که در خانه‌های معاصر با توجه به بهره‌گیری از اصول علمی و فیزیکی در ایجاد عوامل اقلیمی، تأثیر این عوامل در ایجاد هویت کالبدی به درجه پنجم رسیده است. در مورد مؤلفه‌های کالبدی، با توجه به بهره‌گیری از اصول معماری سنتی ایرانی در طراحی پلان، از عوامل مهم در ایجاد هویت کالبدی در خانه‌های سنتی به شمار می‌روند در صورتی که در خانه‌های معاصر با توجه به تأکید زیاد بر کالبد و صورت ظاهری خانه، خانه‌های معاصر بیشترین هویت خود را از کالبد می‌گیرند. مؤلفه‌های معنایی و فعالیتی تأثیرگذاری زیادی در ایجاد هویت کالبدی در خانه‌های سنتی دارند ولی با توجه به وابستگی زیاد این مؤلفه‌ها به عوامل کالبدی در رتبه چهارم و پنجم قرار می‌گیرند؛ اما در خانه‌های معاصر ضعف این عوامل آنها را به رتبه‌های سوم و چهارم کشانده است. در مقاله محمودی مهماندوست (۱۳۹۶)، فقدان آرامش روحی و روانی، کاهش حرمت و امنیت و شکل‌گیری نگرش اقتصادی به جای نگاه ارزشی به مسکن باعث تضعیف مفاهیم

والای سکونت معرفی شده‌اند و معتقدند که با تأمل و تعمق در روش زندگی و توجه به سازوکار سکونت اسلامی و همین طور بازنگری در برنامه‌ریزی و طراحی مسکن از طریق الزام طراحان در تبعیت از اصول معماری و شهرسازی اسلامی و اصلاح نظام آموزش معماری می‌توان موجبات احیای مجدد مفاهیم سکونت اسلامی در مسکن امروز را فراهم آورد. در کتاب زندگی انسان ایرانی در فضاهای معماری معاصر، بی‌هویت بودن خانه‌ها به ویژه در کالبد آنها از مهمترین مشکلات خانه‌های معاصر معرفی شده‌اند. در مطالعه ضرغام و همکاران (۱۳۹۴) به عوامل یکپارچگی اجتماعی - فضایی در مسکن درآمد ترکیبی ایران و نیز به چارچوب مفهومی طراحی مبتنی بر هویت اجتماعی از طریق تئوریهای مکان محور هویتی اشاره شده است. بمانیان و همکاران (۱۳۸۵) معتقدند که تمام عناصر معماری سنتی ایران، از لحظه ورود به بنا تا لحظه حضور در تک تک فضاهایش ارتباط بسیار تنگاتنگی با هویت جامعه برقرار کرده‌اند. با توجه به موارد ذکر شده و در تکمیل آنها در این مقاله در مقایسه مقاله حاضر با دیگر مقالات کار شده در این حوزه نکته مهم این است که در این مقاله مؤلفه‌های هویت کالبدی در خانه‌های سنتی و معاصر مقایسه شده و درسهای لازم که باید از خانه‌های سنتی گرفت و در خانه‌های معاصر بکار گرفت پیشنهاد شده است حال آن که در سایر منابع پژوهشی صرفاً به بررسی عناصر هویت ساز در خانه‌های معاصر پرداخته شده است.

نتایج وزن‌دهی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که در خانه‌های معاصر به دلیل تأکید زیاد در کالبد مؤلفه‌های معنایی فراموش شده‌اند و نیاز به تقویت بیشتر دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود با تقویت مؤلفه‌های اشاره شده که تأثیرگذار در خانه‌های سنتی هستند به تقویت هویت کالبدی درخانه‌های معاصر پرداخته شود. البته در این مسیر با مشکلات زیادی مواجه هستیم که برخی از این مشکلات عبارتند از: محدودیت در اندازه مسکن، انبوه‌سازی مسکن و عدم دخالت کاربران در تهیه مسکن، مشکلات مالی، تأثیر فرهنگهای غیر خودی در خانه سازی و... بر اساس نتایج بدست آمده از مقایسه می‌توان نتیجه گرفت الگوهای ذکر شده در معماری سنتی تبریز که از دوره قاجار استخراج شده به‌صورت اقتباس معنایی و مفهومی و عملکردی قابل استفاده در معماری معاصر مسکن تبریز می‌باشند. در مؤلفه‌های هویت کالبدی ۵ مؤلفه ارائه شده تأثیرگذار در بحث هویت کالبدی خواهند بود که تقویت آنها می‌تواند منجر به تقویت هویت کالبدی در بناهای مسکونی معاصر تبریز گردد. این ۵ مؤلفه شامل مؤلفه‌های کالبدی، اقلیمی، معنایی و ادراکی و فعالیتی و عملکردی می‌باشند و هر یک به نحوی بر هویت کالبدی مسکن در تبریز تأثیرگذار

می‌باشند. بررسی‌ها نشان داد که الگوهای بررسی شده به نحوی مؤثر در طراحی مسکن سنتی تبریز نقش داشته‌اند. با وجود آن که خانه‌های سنتی تبریز در دوره قاجار بررسی گشته است؛ اما همچنان تأثیر معماری سنتی بر معماری این دوره را می‌توان دریافت. این امر موجب تقویت هویت کالبدی در بناهای مسکونی این دوره شده است به نحوی که علاوه بر نیازهای ساکنین، از بعد عملکردی، کاربردی و هویتی و زیبایی‌شناختی نیز واجد ارزش‌های معماری اصیل ایرانی بوده است. توجه به ابعاد و مؤلفه‌های مختلف هویت کالبدی در مسکن تبریز می‌تواند بسیاری از مشکلات عملکردی، معنایی و کاربردی مسکن معاصر را بهبود بخشد. خانه‌های سنتی موجود در تبریز با توجه به دارا بودن الگوهای معماری سنتی تبریز به سبب سازگاری مردمی، اقلیمی، کالبدی، معنایی- ادراکی و عملکردی- فعالیتی می‌تواند به عنوان مناسب‌ترین الگو برای رهیافت هویت کالبدی در مسکن معاصر مورد استفاده قرار گیرد. بنا به تجربه پیشین ایرانیان الگوهای سنتی ایران با اقتباس معنایی و عملکردی بهترین الگو در جهت حفظ هویت مسکن و شهرها ویژه هویت کالبدی خواهد بود.

منابع و مآخذ:

- ۱- اخوات، ه.، الماسی فر، ن.، بمانیان، م. ۱۳۹۰. معماری و شهرسازی در کشورهای اسلامی. انتشارات طحان.
- ۲- آروین، م.، پوراحمد، ا. ۱۳۹۸. ارزیابی کیفیت محیط مسکونی با استفاده از تکنیک DEMATEL و روش فازی (نمونه موردی: شهر اهواز). مجله آمایش محیط، ۴۴(۱۲): ۱-۲۰.
- ۳- اسماعیلی سنگری، ح.، عمرانی، ب. ۱۳۸۷. تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم. انتشارات فروزش.
- ۴- آقا لطیفی، آ.، وحید، ک. ۱۳۹۷. خانه‌های تاریخی سنندج. خوانش کالبد از دریچه فرهنگ زیست. مجله صفه، ۲۸(۱): ۱۱۱-۱۳۱.
- ۵- اکبری نامدار، ش.، سیاح جاوید، س. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر هویت در طراحی معماری قطب علمی هنر و معماری. چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، ۷ بهمن.
- ۶- اکبریان فر، ف.، هادیانی، ز.، حیدری، ج. ۱۳۹۵. ارزیابی کیفیت ذهنی مسکن شهری بر مبنای قلمروهای درونی و بیرونی (مطالعه موردی: شهر بوشهر). مجله آمایش محیط، ۳۲(۹): ۲۴-۲۵.
- ۷- پورجعفر، م.، علیپور، ب. ۱۳۹۱. مفهوم سکونت. انتشارات کتاب ماه هنر.
- ۸- حبیب، ف.، نادری، م.، فروزانگوهر، ح. ۱۳۸۷. پرسمان تبعی در گفتمان قالب شهر و هویت. مجله هویت شهر، ۳(۳): ۱۳-۲۳.
- ۹- ۹- حجت، ع.، مظفر، ف.، سعاداتی، پ. ۱۳۹۶. تبیین صفات تأثیرگذار خانه در شکل‌گیری دل‌بستگی انسان به آن. مجله هنرهای زیبا، ۷۰(۷): ۵۱-۶۲.
- ۱۰- صارمی، ح.، علی اصل، ش.، ۱۳۹۶. زندگی انسان ایرانی در فضاهای معماری معاصر. انتشارات اندیشه طلایی.
- ۱۱- ضرغامی، ا.، مهدی نژاد، ج.، فتوره‌چی، د. ۱۳۹۶. ایجاد چارچوب نظری طراحی مبتنی بر هویت پایدار اجتماعی مجتمع مسکونی برای ساکنان با طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی مسکن. مجله معماری و شهرسازی پایدار، ۵(۲): ۱-۱۴.
- ۱۲- بمانیان، م.، اخوات، ه.، الماسی فر، ن. ۱۳۹۰. معماری و شهرسازی در کشور اسلامی. انتشارات طحان.

- ۱۳- بمانیان، م.، غلامی رستم، ن.، رحمت پناه، جنت. ۱۳۸۹. عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایران، مجله مطالعات هنر اسلامی، ۷(۱۳): ۵۵-۶۸.
- ۱۴- پور محمدی، م. ۱۳۷۹. برنامه‌ریزی مسکن. انتشارات سمت.
- ۱۵- رنجبر کرمانی، ع.، نقره کار، ع.، حمزه نژاد، م.، اورازانی، ن. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- ۱۶- عبدالله خانی، ع. ۱۳۸۰. شیوه‌ای برای سنجش امنیت ملی A.H.P، مجله اطلاعات اقتصادی سیاسی، ۱۶۳-۱۶۴: ۱۷۴-۱۹۱.
- ۱۷- علی، یاران، حسین، بهرو، ۱۳۹۶. تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبدفضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل). مجله پژوهش‌های معماری اسلام، (۵)۲: ۹۱-۱۰۷.
- ۱۸- علی اصل، ش.، محمدرضا، م. ۱۳۹۴. مطالعه تطبیقی خانه‌های سنتی و مدرن با رویکرد فرهنگی. اولین کنگره بین المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۷ دی.
- ۱۹- ۱۹- عمرانی، ب.، اسماعیلی سنگری، ح. ۱۳۸۴. بافت تاریخی شهر تبریز. انتشارات سمیرا.
- ۲۰- فرشچی، ح.، باغبدرانی، ح. ۱۳۹۶. بررسی مشارکت کاربران (مردم) در روند طراحی مسکن با رویکرد معماری جمعی. مجله تحقیق در هنرها و علوم انسانی، (۳): ۳۳-۴۴.
- ۲۱- قطبی، ع. ۱۳۸۷. معماری امروز ایران و مسئله هویت: مفهوم هویت و معماری امروز ایران. مجله آینه خیال، (۱۰): ۷۸-۸۳.
- ۲۲- محموی مهماندوست، م. ۱۳۹۶. معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن به دیروز به زندگی امروز. مجله اندیشه معماری، (۳)۱: ۹۸-۱۱۲.
- ۲۳- میرمقتدایی، م. ۱۳۸۳. معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. نشریه هنرهای زیبا، ۱۹(۱۹): ۱۷-۲۶.
- ۲۴- نوکار، ب.، کرکه آبادی، ز.، ارغان، ع. ۱۳۹۸. بررسی تأثیرات کاربری‌های مذهبی بر هویت شهر اسلامی (محدوده مورد مطالعه مناطق یک و دو شهر یزد). نشریه آمایش محیط، ۴۴(۱۲): ۸۵-۱۰۴.

- 26- Lewitka، M. 2008. Place attachment ،Place identity and Place memory، Restoring the forgotten city past. Journal of Environmental psychology، 28.
- 27- Norberg-schulz، ch. 2005. concept of Dwelling.
- 28- O، M. 2012. Meaning of home. Journal of International Encyclopedia of Housing. 231-239.
- 29- poup، A.1994. Iran Architechure.
- 30- Rapoport، A. 1969. House ،Form and culture.
- 31- Stedman، R.c. 2001. Baced cognitions،attitudeand identity ،environment and behavior. Toward a social psychology of place ،561-581.
- 32- Tasi، p. 2015. Place attachment and tourism marketing. Journal of Tourism Reasearch ،139-152.
- 33- Tuan، Y. 1977. "Topophilia"Englewood cliffs.